



- در کل، یک کودک در پنج زمینه مهارت می‌یابد:
- ۱- صداشناسی: کودکان باید صداهای زبان فارسی را بشنوند تا سخنانی را که می‌شنوند برایشان آشنا باشد و آن را متوجه شوند.
  - ۲- ساخت کلمات: کودکان باید قواعدی را که برای شکل‌دهی کلمات از صداها به کار می‌رود، مانند قاعده ساخت افعال، جمع بستن کلمات با «ها و ان» و... را بدانند.
  - ۳- نحو: کودکان باید قواعد تشکیل جمله‌ها را بدانند تا بتوانند زبان را متوجه شوند و آن را به کار گیرند.
  - ۴- علم معانی: کودکان باید روابط بین کلمات و چیزها را تشخیص دهند زیرا برای تفسیر جمله و بند به آن‌ها نیاز دارند.
  - ۵- علم علائم و اصطلاحات زبانی: کودکان باید یاد بگیرند کی چه چیزی را و به چه کسی بگویند.
- کودکان در اواسط کودکی واژگان و دستور زبان را می‌آموزند و آگاهی در زبان را پرورش می‌دهند. فکر کردن به زبان و روان‌خوانی منبع جدید یادگیری زبان است. چگونگی فکر کردن به زبان از سوادآموزی حاصل می‌شود و به مهارت زبان کمک می‌کند.
- در کلیه مراحل برنامه‌ریزی از طراحی تا تولید کتاب و مواد آموزشی، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها (اصول) در تعیین هدف‌ها، سازماندهی محتوا، انتخاب و سازماندهی روش‌ها در تدوین کتاب‌های فارسی سایه گسترده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:
- در برنامه درسی زبان‌آموزی اصل بر مهارت‌آموزی است.
  - آموزش زبان باید زمینه‌ساز مطالعه مستمر در زندگی کودک باشد.
  - سیر آموزش باید از زبان طبیعی‌تر به سوی زبان اکتسابی و آگاهانه باشد.
  - زبان‌آموزی باید زمینه‌ساز تقویت و شکوفایی خلاقیت باشد.
  - موضوعات و مطالب نباید به یک محدوده جغرافیایی منحصر شود.
  - محتوای کتاب‌های فارسی باید بر اساس آخرین یافته‌های روان‌شناسی، زبان‌شناسی و ادبیات کودک باشد.
  - در تمام سطوح آموزشی، خوانانویسی مدنظر برنامه‌ریزان و مؤلفان و معلمان باشد.

## گام‌های اولیه آموزش زبان فارسی

دکتر ملاح نجفی عرب<sup>۱</sup>

زبان فارسی معرف فرهنگ و هویت ملی ما ایرانیان است. این زبان در گذر زمان فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده، اما به دلیل داشتن پشتوانه فرهنگی غنی، جاویدان و پابرجا مانده است. برنامه‌ریزی مناسب آموزشی در جهت شناساندن هویت ملی و آموزش‌های یکنواخت و منطقی زبان از وظایف آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش ما باید در برنامه‌ریزی درسی خود به این نکته توجه کند که دانش‌آموزان این سرزمین، دانش را از طریق زبان فارسی فرا گیرند. بنابراین آموزش هرچه دقیق‌تر زبان و خط، زیربنای فراگیری دانش و مهارت است.

زبان یکی از پیچیده‌ترین انواع دانش است که همه کودکان عادی در سال‌های اولیه زندگی در آن مهارت می‌یابند. این زبان از تعداد مشخصی نشانه تشکیل شده است. این نشانه‌ها شامل صداها یا حروف و یا اشاراتی هستند که توسط افراد در زبان اشاره‌ای به کار می‌روند. نشانه‌ها باهم ترکیب می‌شوند و شمار نامحدودی را جهت مهارت‌یابی در یک زبان مانند زبان فارسی تولید می‌کنند. کودک باید در ابتدا حروف اصلی را بشناسد و بداند چگونه باهم ترکیب شده، یک کلمه می‌سازند و اینکه چگونه کلمات باهم ترکیب می‌شوند تا جمله‌ای بامعنی را تشکیل دهند. کودک باید معنی کلمات و جملات را بفهمد و بداند چگونه در تعاملات اجتماعی از زبان بهره بگیرد.

<sup>۱</sup> رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی و عضو شورای علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

## نگرشی آسیب‌شناختی به کتاب‌های درسی ادبیات در مدارس

دکتر مرتضی عباسی<sup>۱</sup>

جز تغییر بسیار محتوای کتب و برخی ملازمات نظام آموزش، آشکارا دیدم که درس ادبیات به معضل و حتی کابوسی بزرگ برای دانش‌آموز و متعاقباً خانواده او تبدیل شده است. به یاد دارم آن زمان که خودم دانش‌آموز بودم، و هم با توجه به شنیده‌ها درباره دوره‌های کهن‌تر، درس ادبیات، خاصه به این دلیل که کتاب، سرشار از مضامین آموزنده و سرگرم‌کننده پاره‌های گزیده از متون طراز اول نظم و نثر فارسی بود، که به‌راستی همه حکمت محض، مصداق اصل معنی‌اند و نیز اغلب به دست آموزگاران برجسته و نام‌آور و البته کسانی ارائه می‌شد که به این بخش بزرگ، غنی و گران‌بهای فرهنگ چندهزارساله عشق می‌ورزیدند و بر نتایج کاربردی شدن مضامینش وقوفی کامل داشتند و سلوک و اخلاق خودشان نیز ملموس‌ترین نمونه آن به شمار می‌رفت، جزو دروس فرح‌آور و نشاط‌بخش بود و دانش‌آموز همواره برای نشست‌های ادبیات و دیدن دبیرش لحظه می‌شمرد و بعدها هم از آن نشست‌ها و در بیشتر موارد آموزگاران به‌مثابه بهترین خاطرات تحصیلش یاد می‌کرد و پس از گذر سالیان دراز، با لذت و شغف، اشعار و قطعاتی را که در یاد داشت برای مخاطب جوانش می‌خواند، و عکس آن، عموماً چنین احساسی برای دروس علوم پایه (ریاضی، فیزیک و شیمی) نداشت و به دلیل وضعی که در این دروس داشت و یا به‌مرور می‌یافت، برای گذر از آزمون‌ها، خاصه در دوره‌های نزدیک به اکنون، آن که توانگر بود از نشست‌های خصوصی یا کتب کمکی استمداد می‌نمود تا به هر دست‌آویز آن را بگذراند؛ گو اینکه دانش‌آموز به خود متکی بود و مواجهاتش با وقایع درون مدرسه و یا دشواری‌های خوانش و درک و دریافت دروس از حدود مکثات و نهانی او تجاوز نمی‌کرد و به خانواده‌ها سرایت نمی‌یافت و عموماً خانواده‌ها از آنچه بر سر فرزندشان می‌آمد، جز در موارد انضباطی که خود هم در آن مدعی‌العموم بودند، خبری نداشتند. اما اکنون اوضاع کاملاً برعکس شده و صرف‌نظر از اینکه نگرانی و تشویش دانش‌آموز و بیش از آن، خانواده او (البته مادران در صدر همه) بیشتر متوجه درس ادبیات است و همچنین شمار خواهندگان و خواستاران نشست‌های خصوصی برای درس مزبور به وجهی عجیب افزونی

ادبیات فارسی با تأملی که هرکسی در انواع متون و آثار به‌جا مانده آن از حماسی، تعلیمی، عرفانی، غنایی و ... بکند، بی‌کمترین سویه‌گیری یا جانب‌داری و تحمیل نظر، متنوع‌ترین، آموزنده‌ترین، جذاب‌ترین و غنی‌ترین منبع و معدن است برای سمت‌وسو دادن ابنای آدمی - دست‌کم در ایران - به آن چیزی که همانا از مواد و مفاد «انسان بودن»، «انسانی زیستن»، «فرهیختگی و فرزاندگی»، «دانایی و خردمندی» قلمداد می‌شود. آن‌هایی که اهل مطالعه و تحقیق در این حوزه هستند، نیکو می‌دانند که این سخن، برخاسته از دیدگاه‌های فردی یا باور یک ایرانی علاقه‌مند نیست، بلکه محکم‌ترین سندش همانا نظر مستشرقان بزرگ و هرآینه شمار بسیار کسانی است که با دانستن این موضوع، عمرشان را در قالب اهتمام به «تصحیح»، «تفسیر و توضیح»، «پیش‌رو نهادن اصول نقد و تحقیق علمی» وقف روشن کردن کرانه‌ها و اعماق تاریک و نهفته آن نمودند. چون گستره و میدان اثرگذاری این بخش بزرگ از فرهنگ ایران بر همه آشکار است و هرکسی سیر فرامرزی ادبیات فارسی را به گوش شنیده، به همین مقدار در بیان برجستگی و اهمیت آن بسنده می‌شود.

اکنون ببینیم چه میزان از این منبع سرشار در اختیار مخاطبی قرار می‌گیرد که نخستین دیدارگاه او با آن، مکانی به نام «مدرسه» و چیزی به نام «کتاب درسی» و از گذرگاه کسی به نام «آموزگار» است. پیش از آن و برای روشن شدن ذهن مخاطب این نوشته، که نویسنده آن کیست و از چه جایگاهی می‌نگرد، باید بگویم که حدود بیست‌وسه سال در مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات منسوب به وزارتخانه علوم و برخی نهادهای غیردانشگاهی، مانند شرکت‌ها و جز آن، درس «ادبیات» گفته‌ام، گرچه کار در مدارس با وقفه‌ای نسبتاً طولانی روبه‌رو شد و زمانی هم که آن را از سر گرفتم، وضع را سخت دیگرگونه یافتم تا به صرافت نوشتن این متن با هدف گونه‌ای «زنهار» افتادم.

۱ دانش‌آموخته دکتری ادبیات در دانشگاه اصفهان، مدرس در مؤسسات، مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی

venoos407@gmail.com

ادبیات، آن‌هم اغلب با تغییرات و دخالت‌های ناروا با عنوان «تلخیص»، چیز دیگری که مشمول تعریف و مصداق درست ادبیات باشد، به چشم نمی‌آید، و نمی‌دانم این مقوله را جز ترک ادب تحقیق و تألیف و دور شدن از قاعده «نقل» و «بیان»، بر چه حمل کنم؟ جز این، هرچه هست، چنانکه سال‌هاست می‌بینم و حتی خود دانش‌آموزان پایه ابتدایی (به‌ویژه پنجم و ششم) و قطعاً بالاتر نیز بدان رسیده‌اند، کمترین جاذبه‌ای برای دانش‌آموز نسل امروز ندارد و به دلایلی که از حوصله این سخن بیرون است، هیچ رغبت و میلی ایجاد نمی‌کند، تا چه رسد به یاد دادن انبوه درون‌مایه‌های ارزشمند نهاده شده در اقسام متون طراز اول ادبیات؛ از کهن تا نو. از سویی به تجربه دریافتم، هر بار که در لابه‌لای گزارش درس‌های همین مجموعه اوراق به هدررفته، پاره‌هایی از آن متون، که پیش‌ترها کتب ادبیات از اقسام آن‌ها پر و مالا مال بود، چیزی برای دانش‌آموزان می‌خواندم، چنان کششی ایجاد و به‌گونه‌ای آن‌ها را تشنه می‌نمود که به اصرار، تداوم آن رویه را می‌خواستند؛ یعنی خواندن حکایات منظوم و منثور از آن متون. به نظر من، این یعنی دانش‌آموز، حتی یک نوجوان امروزی غرق در نمودهای فناوری مهارناپذیر، خرمهره را از مروارید تشخیص می‌دهد، اما کسی و منبعی نیست تا روح تشنه آن‌ها را سیراب کند، و این کار نیز البته دشوار بتواند به همت یکی دو نفر و در ابعاد گسترده محقق شود. چگونه می‌توان مجموعه‌ای از کاغذهای به‌هم‌چسبیده را کتاب ادبیات خواند و حال‌آنکه مشخصاً هدفمند، از نخستین دوره‌های ادبیات مکتوب تا این عهد، هیچ قطعه‌ای بدان ارج و بها که معلوم اذهان خواص است، در آن نقل و درج نشده؟! متون ادبی بسیار آموزنده پیش از اسلام که جای خود! به‌راستی این چه کتاب ادبیاتی است که در بخش تاریخ ادبیاتش برای نمونه در شرح احوال فردوسی، سعدی، نظامی، حافظ و جز آن از دانه‌درشت‌ها (بهتر است بگویم دردهان‌افتاده‌ها) یکی دو سطر می‌بینیم و در باب دیگرانی که هیچ موجودیت و موضوعیت ادبی هم ندارند، نیم تا یک صفحه! چنین فروگذاری‌ها، چشم‌پوشی‌ها و آسان‌گیری‌هایی، جز بدبین و بی‌اعتنا کردن دانش‌آموز در مواجهه با درس ادبیات و بعضاً به سخره گرفتن نمودی این‌گونه از ادبیات و فاصله گرفتن بدین‌سان که می‌بینیم، چه حاصلی داشته و دارد؟ هیچ دانش‌آموز و دانشجویی در مدرسه و دانشگاه، پس از فراغت، قادر به ترسیم نقشه ادبیات هزارساله خود نیست، نمی‌تواند نثر را از نظم تشخیص دهد، از بر شمردن نام ده تن شاعر یا نویسنده بزرگ تاریخ ادبیات خود ناتوان است، الا آنکه در بهترین حالت، گابریل گارسیا مارکز، ایف شافاک، اسکاول‌شین، یکی دو بازیکن فوتبال، بازیگر سینما یا شخصیت‌های داستان مصور<sup>۱</sup> و حتی نام‌های اشخاص بازی‌های کامپیوتری و احتمالاً سیاستمداران صدر اخبار و از

یافته و حتی از دروس دیگر پیشی گرفته، تقریباً آن‌ها نیز با تمام امور تحصیلی فرزند خود درگیرند، و بس که بیشترشان همراه او باز مدرک می‌گیرند! در مورد آن کوتاهی و این زیاده‌روی فعلاً نمی‌توانم و قصد ندارم چیزی بگویم تا به‌جای خودش. در این نوشته کوتاه می‌کوشم تا به‌وجهی با بررسی جوانب امر، از جمله «کتاب درسی»، مسئله را در نظر آورم و تا حد امکان، برای برون‌رفت از این ورطه، گریزگاهی بنمایانم. چنانکه گفتم، هر ایرانی نخستین‌بار در مدرسه و از راه کتاب درسی‌اش با ادبیات فارسی آشنا می‌شود، و به پندار من از همان نخستین پایه و مقطع تحصیلی، این اهمیت باید دانسته و در تهیه و تدوین کتاب در نظر آید. کودک شش و هفت‌ساله‌ای که قابلیت یادگیری موسیقی، زبان غیرفارسی، ورود به یک رشته ورزشی یا هر فن و حرفه دیگری را دارد، بی‌گمان در برقراری ارتباط با پاره‌ها و بخش‌های ساده و داستانی فراوان موجود در متون کهن ادبی هم تواناست.

نخستین مواجهه هرکسی با «ادبیات» در «مدرسه» و از طریق «کتاب» صورت می‌گیرد؛ بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ارکان موجود در چرخه و فرایند آموزش در مدارس، علاوه بر «فضا و محیط»، «آموزگار»، «دانش‌آموز»، «مادر و پدر»، «نظام آموزشی»، و «کتاب درسی» است. حقیقتاً کتاب درسی، موضع مشترک آموزگار و دانش‌آموز برای پیشبرد یک یا هر سال تحصیلی به حساب می‌آید. کتاب به دو وجه می‌تواند توجه مخاطبش را جلب کند:

۱. صورت و ظاهر

۲. محتوا

مورد نخست همان فیزیک یا ظاهر کتاب، شامل رنگ و طرح جلد، صفحه‌آرایی، جنس کاغذ، حجم و اوزان‌گونه را دربرمی‌گیرد و مورد دوم، همان چیزی است که در قالب واژه‌ها، سطور، متون، اشکال و جز آن نمود می‌یابد؛ به بیان بهتر، همان مجموعه‌ای که مقرر است مطلب و سخنی، مضمون و مقصودی و نهایتاً دانشی را به مخاطبش برساند و اصطلاحاً او را در جهتی که پیش‌تر ذکر شد سوق دهد؛ چیزی که عملاً در مدارس ایران رخ نمی‌دهد. درباره شکل و ظاهر کتاب، هیچ نیازی به توضیح و تحلیل نیست که اصلاً به کتاب ادبیات کمترین شباهتی ندارد و به انبوه کتاب‌های معمولی موجود در قفسه‌های کتاب‌فروشی‌ها می‌ماند که این روزها هرکسی با خواندن دو کتاب داستان یا گذراندن دو ترم در یک مؤسسه یادگیری زبان غیرفارسی، با همان رویه امروزی کتاب‌سازی انبوه، چاپ می‌کند، و جز آن، کمترین بهره‌ای در زیبایی ظاهری و نیز طرح و صورتی که از هر منظر معلوم کند این کتابی در حوزه «ادبیات فارسی» است، ندارد.

وقتی کتاب‌های درسی ادبیات چند دهه پیش و نیز کتب درسی ادبیات مدارس کشورهای نسبتاً هم‌پایه را در نظر می‌آورم، از این چیزی که امروزه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند، بسیار غمگین می‌شوم؛ چه به همه‌چیز می‌ماند جز کتاب ادبیات، که در آن جز چند قطعه شعر یا نثر از بزرگان تاریخ

۱ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، داستان مصور را در برابر واژه بیگانه «کارتون» / strip cartoon با تعریف «داستانی که به‌صورت نقاشی یا طراحی‌های پی‌درپی روایت می‌شود و گفت‌وگوهای شخصیت‌های آن در درون حبابک ارائه می‌شود» تصویب کرده است.



این قسم را هم در زمره آنها می‌آورد! همه ما اقسام ویدئوهایی در قالب مصاحبه با مردم از هر دست را که برخی در سطح شهر با هدف دانستن مقدار آشنایی آنها (خاصه نسل جدید و تحصیل کرده) با ادبیاتشان، ضبط و دیگری هم آن را منتشر کرده‌اند دیده‌ایم و شاید برخی خندیده‌ایم، اما حقیقتاً باید گریست، گریستی به درد! غایت اطلاعات دانش‌آموز از نام و نشان نویسنده یا شاعری که یا در خانه به اثر او تنها دو شب در سال تفأل می‌زنند (یعنی حافظ) یا شاید از دهان‌ها به گوشش رسیده است، تنها به نام یکی دو خیابان و کوچه در شهر خودش یا برخی قصه‌های بی‌بنیاد و افسانه‌مانند درباره او محدود می‌شود.

بدین‌گونه کتب ادبیات از منظر محتوا در قیاس با حتی کمتر از دو دهه پیش، از بسیاری سویه‌ها که گفته شد، هیچ ارزشی ندارند و به هیچ طریق کشتی ایجاد نمی‌کنند، و این سوای سودمندی از سویه‌های دیگری است که در نظر دارم. متون ادبی کهن ما سرشار از حکم، مواعظ، لطایف و جز این‌ها هستند و از این دریای بی‌کران و ژرف، تنها در آغاز و پایان و به‌ندرت در میان کتاب‌های ادبیات نشانی می‌بینیم؛ آن‌هم به تصحیف و تصرفات بی‌جا و از سر بی‌دانشی! گاهی واقعاً تردید می‌کنم در اینکه دست‌اندرکاران، از گروه مؤلفان، ناظران و جز این‌ها، تحصیل کرده، اهل مطالعه و اصلاً ایرانی باشند.

برای نمونه در کتاب ادبیات پایه هفتم، آن‌هم نه به‌عنوان متن یک درس، بلکه گونه‌ای مطالعه آزاد، حکایتی از باب چهارم گلستان سعدی با عنوان «اندرز پدر» آمده که از قضا اصل مقصود گوینده در ابیات پایانی حکایت در متن اصلی است، که نه تنها آن دو بیت نقل نشده، بلکه در سطر نخست آن نیز با خامی تمام دست برده شده و دو سه واژه از اصل حکایت افتاده است. بر من معلوم نیست آوردن این دو سه واژه یا آن ابیات چه زیان کلانی برای مؤلفان یا ناشر داشته است؟ یا اصلاً متن به اصطلاح روان‌خوانی «کژال» و مانند آن در بخش‌های دیگر کتاب ادبیات پایه مزبور یا دیگر پایه‌ها چه ارزشی از نظر ادبی یا ساختاری دارد که چندین صفحه از کتاب را اشغال کرده؟ نمی‌شد مثلاً در بخش‌های روان‌خوانی، قطعاتی از داستان یا رمان‌های برجسته ایرانی و آیرانی بیاورند؟ اصلاً چرا مواد و مایه‌های اصلی ادبیات در قالب فرع در کتب ادبیات گنجانده می‌شود که بیشتر یادآور بخش حوادث روزنامه‌ها و پی‌نوشت مجله‌هاست تا جزئی از کتاب ادبیات!

همین امر در مورد کتب نگارش هم صدق می‌کند. بنابر تجربه، قاطعانه می‌گویم که این کتاب هیچ توانمندی ویژه‌ای به دانش‌آموز، برای اصل هدف، یعنی «انشا» با معنی حقیقی «آفریدن»، نمی‌دهد تا چه رسد به مقاصد ثانوی مانند نوشتن یک نامه اداری یا حتی یک پیامک! هیچ دانش‌آموز و بعداً دانشجویی در مراحل بعدی تحصیل و حیاتش، هیچ مهارتی برای «خلق» و «ابداع» ادبی، که فراتر از مقوله‌ای موسوم به «دل‌نویسته» باشد، نمی‌آموزد یا نمی‌اندوزد و هیچ‌کدام از کتاب‌های ادبیات و نگارش مقاطع تحصیلی مدارس

## بنابر تجربه

**قاطعانه می‌گویم که کتاب نگارش هیچ توانمندی ویژه‌ای به دانش‌آموز، برای**

**اصل هدف؛ یعنی «انشا» با معنی حقیقی «آفریدن» نمی‌دهد تا چه رسد به**

**مقاصد ثانوی مانند نوشتن یک نامه اداری یا حتی یک پیامک!**

(خاصه دوره اول و دوم دبیرستان)، دانش‌آموز را به هیچ فن خاصی در هیچ‌یک از مقوله‌های چهارده‌گانه علمی و هنری ادبیات مجهز نمی‌کند. او به‌هیچ‌روی با خواندن کتاب نگارش، با هر ساختار و عنوانی نویسنده نمی‌شود، و چنانکه گفتم از نوشتن ساده‌ترین متن‌ها که قاعده و روشی نداشته باشد هم ناتوان است، چه رسد به نامه‌های اداری و غیر اداری، داستان و رمان، خاطره، سفرنامه و جز آن. دانش‌آموز به هیچ‌وجه با خواندن کتاب نگارش قدرت آفرینش ادبی نمی‌یابد و اصلاً نمی‌تواند بر بنای محسوسات و معقولات، که دو آبشخور اصلی اطلاعات و داده‌های ذهن هستند، یک بند مطلب بنویسد! حتی داند چگونه از قوای مزبور استفاده کند، و از قضا با

خواندن این کتب درسی هم به هیچ‌روی محدودۀ مرزبندی‌شده‌ای (زمانی و مکانی) از ادبیات در ذهنش ترسیم نمی‌شود، چه رسد به یافتن راه و رسم چگونگی اندیشیدن و دادن سمت‌وسوی درست به نیروی اندیشه و خیال. او با خواندن این کتب طی یک و حتی صد سال تحصیلی نیز نه از بینشی شامل بهره‌مند می‌گردد و نه به نگرشی متعالی دست می‌یابد. گو اینکه بسیار دیده‌ام حتی خود آموزگاران هم بعضاً به دلایلی که جایی دیگر آورده‌ام، چنین توانایی‌ای ندارند!

با آنچه پس‌ازاین خواهم گفت، بهتر دانسته می‌شود که درس و کتاب ادبیات، بیشتر به ابزار عتاب و عقاب می‌ماند، و مسلّم است که هیچ‌کسی تمایلی به وسیله‌ای که با آن شکنجه می‌شود ندارد؛ برای مثال اگر آن وسیله کتاب باشد، هیچ از آن نخواهد آموخت، استفاده و به‌کارگیری که جای خود، و حال آنکه خوب می‌دانیم ادبیات ما سرشار است از رهنمودهایی بسیار ارزشمند است برای انسان بودن و انسانی زیستن، رشد یافتن و به کمال رسیدن. سخن را این‌گونه ادامه می‌دهم که در مدرسه، دانش‌آموز از همان نخستین دوره‌ای که بنابر فشار توقع اطرافیانش (خاصه مادر و پدر) متوجه می‌شود قرار است از گردنه‌ای سخت‌گذر به نام «کنکور» بگذرد، به‌سوی شتابکاری و یافتن مهارت «تست‌زنی» با استفاده از داده‌هایی تلگرافی سوق داده می‌شود که در درس ادبیات، عمده مواد و مصالحش را سه مقولۀ «دستور زبان» و «آرایه ادبی» و «درک مطلب» (با عنوان وحشت‌زای قرابت یا غرابت معنایی)، و سپس «املا»، «معنی لغت»، «تاریخ ادبیات» و دیگر موضوعات خردتر با اشکال گوناگون و پرسش‌های عجیب و غریب تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب و چنانکه حقیقتاً می‌بینیم، آن مقولۀ خوش و گش، نغز و با طراوت، زیبا و هنری، آرمانی و کارآمد به نام «ادبیات»، به عرصه‌ای برای حفظ کردن مایه‌هایی تکه و پاره و بی‌روح و از نظر حتی خود دانش‌آموز (چنانکه هر سال و بسیار شنیده‌ام)، «به‌دردنخور» تبدیل شده است، مگر اینکه آموزگار (آن هم آموزگاری که غم معاش نداشته باشد)، مبتکرانه و با گذر از سد نگرش تماماً اقتصادی مدیران، بنیان‌گذاران و سهام‌داران به‌ویژه مدارس غیرانتفاعی یا همان بنگاه‌های اقتصادی-آموزشی سریع و خشن، مایه‌ها و شاخه‌هایی از همان لطافت و طراوت و درواقع ادبیات راستین را در میان این تودۀ حفاظت‌شده با سیم‌های خاردار بدواند. این امر البته با دیدن و دانستن وضعیت معیشتی آموزگاران - بعضاً با مدارک و مدارج تحصیلی بالا و ندرتاً توانمندی‌های افزون‌تر و دگرگون‌تر- که در مجموعه‌های غیردولتی و از سر ناگزیری کار می‌کنند، برجستگی و نمود چندانی ندارد؛ الا آنکه او به زندگی حقیقی و درست از منظری متعالی و با وجهی از زهد و ریاضت بنگرد، تا افزون بر برآوردن نیاز مدارس و دانش‌آموزان در همان حوزه «تست‌زنی» و «پراکنده‌آموزی» چیزی هم از ادبیات واقعی بگوید تا برای پی گرفتن و دنبال کردن اختیاری در آینده، در او رغبتی و کششی ایجاد نماید، و این هرآینه

## دانش‌آموز از همان نخستین دوره‌ای که

**بنابر فشار توقع اطرافیانش (خاصه مادر و پدر) متوجه می‌شود قرار است از**

**گردنه‌ای سخت‌گذر به نام «کنکور» بگذرد، به‌سوی شتابکاری و یافتن مهارت**

**«تست‌زنی» با استفاده از داده‌هایی تلگرافی سوق داده می‌شود که در درس**

**ادبیات، عمده مواد و مصالحش را سه مقولۀ «دستور زبان» و «آرایه ادبی» و**

**«درک مطلب» (با عنوان وحشت‌زای قرابت یا غرابت معنایی)، و سپس «املا»،**

**«معنی لغت»، «تاریخ ادبیات» و دیگر موضوعات خردتر با اشکال گوناگون و**

**پرسش‌های عجیب و غریب تشکیل می‌دهد.**

میان برخیزد! باین حال، اگر دست کم کتاب‌ها درون‌مایه‌های غنی و کارآمدی داشتند، آموزگار، همان محصول را روی زمین بهتری عمل می‌آورد.

با بیان خاطره‌ای به اصل سخن باز می‌گردم. چندی پیش دوستی بیرون از کشور، در راستای خواسته من، نسخه الکترونیکی کتاب درسی فرزندش را، که در مقطع پنجم تحصیل می‌کرد، برایم فرستاد. وقتی کتاب را از نظر گذراندم، سخت حیرت کردم؛ کتاب برای درسی عربی بود، ولی سرشار از پاره‌های کلیله و دمنه، شاهنامه بنداری، مقامات و برخی از متون ادبی دیگر که یا نسخه نوشته شده به زبان عربی داشتند یا ترجمه شده بودند؛ مانند سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، جوامع الحکایات و ... افزون بر برخی منابع ادبی خودشان. درس‌ها و تمرین‌های کتاب چنان سنجیده و وزین بود که عملاً نیروی خیال دانش‌آموز را به کار می‌گرفت؛ علاوه بر این او را بر گذشته ادبی سرزمین خودش و ملل دیگر واقف می‌نمود، و این - چنانکه می‌دانیم - سوی کارآمدی محتوا در طول زندگی است، و به نظرم، اصل هم همین و باقی، فرع است. به جرئت می‌توانم بگویم که ارزش علمی آن کتاب به تنهایی، بیش از تمام کتب ادبیات فارسی و عربی دوران دبیرستان ماست. باید بگویم در کشورهای اروپایی هم کتاب‌ها، و خاصه کتاب‌های مربوط به درس ادبیات را چنین دیدم، و سخت حسرت بردم و متأسف شدم.

در پایان باز با تأکید باید بگویم که ادبیات ما بخش عمده گنجینه فرهنگ ماست؛ از پیش از اسلام تا دوران اسلامی. چرا نباید برای مثال از کتاب مینوی خرد، یادگار زریران، درخت آسوریک، کارنامه اردشیر بابکان، اندرزنامه‌ها، و جز آن از ادبیات فارسی پیش از اسلام کتب درسی ادبیات را تغذیه نمود یا فراخور اقتضا از بخش‌هایی از تاریخ سیستان، دانشنامه علایی، آثار ابوریحان، تاریخ بیهقی، تاریخ طبرستان، مجمل‌التواریخ و القصص، اوستا، شاهنامه، اساطیر ایران، عجایب‌نامه‌ها، چهارمقاله، کلیله و دمنه، داستان‌های بیدپای، مرزبان‌نامه، اخلاق ناصری، کیمیای سعادت، سندبادنامه، طوطی‌نامه، هزارویک‌شب، مرصادالعباد، اسرارالتوحید، داراب‌نامه‌ها، تذکره‌ها، تاریخ جهانگشا، نفثه‌المصدر، جامع‌التواریخ، لطایف‌الطوائف، نوادر جحا، آثار و اشعار رودکی، منوچهری، عنصری، فرخی، امیر معزی، مسعود سعد، ناصر خسرو، غزالی‌ها، انوری، سنایی، عطار، خاقانی، نظامی، مولوی، سعدی، حافظ، عبید زاکانی، جامی تا برسد به صائب تبریزی، بیدل دهلوی، حزین لاهیجی و دوره معاصر از هوشنگ ابتهاج، شاملو، فروغ فرخزاد، حمیدی شیرازی، فریدون مشیری، توللی، ملک‌الشعرا بهار، شهریار، خانلری، هدایت، چوبک، ایرج‌میرزا و شمار انبوه دیگر، که اشاره به نام و اثر همه آن‌ها در این گفتار نمی‌گنجد. در یک کلام چرا کتاب درسی ادبیات از دوره‌ها، سبک‌ها و ساختارها و درون‌مایه‌های گوناگون و بسیار سودمندی که در تاریخ ادبیات خودمان سراغ داریم، بی‌بهره است؟

خیلی شایع و فراگیر نیست. در این میان، آموزگار هراندازه هم که به این حوزه علاقه‌مند باشد، یا نهایتاً تسلیم ملازمات همه‌گیر و پردستانداز معاش جلوه‌ای و آب و لعاب‌دار می‌شود یا اجباراً به خواسته‌های دست‌های بالاتر و طبعاً قوی‌تر تن می‌دهد؛ چه گام‌زدن در سویه مخالف، مقصدی جز بیکاری و معطلی ندارد! از آنجاکه در موضعی جداگانه مفصلاً در این موضوع هم سخن گفته‌ام، اینجا به همین میزان بسنده می‌کنم. به هرروی، و با توجه به همان نقص عمده‌ای که در کار هست (یافتن توانایی تست‌زنی) و به‌ویژه با تأکید بر مقوله نسبتاً خشک «دستور زبان» و بیان متنافر مقوله‌های دیگر، نتیجه چیزی جز دل‌زدگی و ملال از درس و کتاب ادبیات نخواهد بود، و می‌بینیم دانش‌آموز دیپلمه نه شناختی از ادبیات راستین، به‌مثابه بخشی بزرگ از فرهنگ غنی کشورش دارد و نه بدان کوچک‌ترین میلی نشان می‌دهد، و حال آنکه می‌توان بر بستر متون برجسته ادبیات، خیلی بهتر و قطعاً کارآمدتر، همان مقولات را به صورتی که مکمل و متمایل یکدیگر باشند طرح نمود؛ مانند داروی تلخ آمیخته با انگبینی که به یک بیمار خورانده می‌شود.

نکته‌ای را که دوست ندارم، به‌رغم تمایل به ایجاز در سخن، از قلم بیندازم، ناهمخوانی محتوای همین کتب درسی ادبیات با پرسش‌هایی است که دانش‌آموز در طول سال تحصیلی و نهایتاً کنکور با آن‌ها مواجه می‌شود. امری که جز ایجاد رنجش افزون‌تر، موجب پر شدن جیب‌های بزرگ آموزگاران خصوصی و سیر صعودی این‌گونه نشست‌ها شده است. نمی‌دانم عمدی در بروز چنین پدیده‌ای یا بهتر بگویم تشکیلاتی هست یا نه، اما نیکو می‌دانم وقتی دانش‌آموز می‌بیند آنچه را آموزگار - اغلب از سر ناچاری و برای همسو ماندن با بالادستی‌ها - به او می‌گوید، بسیار فراتر از چیزی است که در کتابش آمده، و چنانکه گفتم عموماً از داشتن آموزگار خصوصی ناگزیر است و راه گریزی هم ندارد. بدین‌سان در عین مانده و بی‌میل شدن، عملاً تا به کنکور برسد و آن را از سر بگذرانند، یک سال تحصیلی را دو بار سپری می‌کند؛ یک‌بار به صورت عمومی و یک‌بار هم درست در موازات به صورت خصوصی! بر این بنا آنچه حقیقتاً می‌بینیم و با اندکی تأمل بدان پی خواهیم بُرد، گویی دست‌آویزی است برای چاپ و فروش کتب کمک‌درسی و نهایتاً تکاندن جیب خانواده‌ها تا کنکور پس‌از آن هم البته نوبت به دانشگاه‌ها می‌رسد، و چنانکه گفتم، مدرسه‌داران، بیشتر آموزگاران و خاصه خانواده‌ها نیز همراهان خوبی برای حصول چنین مقصودی هستند. در معدود و حتی انگشت‌شمار خانواده‌هایی دیدم که فرهنگ و ادبیات راستین، خارخار اندیشه باشد. کم نبوده مواقعی که از طریق برخی مدارس متعرضم شده‌اند که چرا بخشی از وقت کلاس را به گزینش و خوانش متون کهن اختصاص می‌دهم؛ برای مثال تست کار نمی‌کنم، و به‌ویژه در مدارس غیرانتفاعی، آن‌گونه که آوردم، همواره جانب چرب قضیه گرفته می‌شود. اینکه مدرسه از خانواده‌ها پول می‌گیرد و به آموزگار پول می‌دهد، پس دوران‌دیشی اقتضا می‌کند که از این دو، دومی از



در دانشکده زبان‌ها و مطالعات اسلامی و شرقی زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، اردو، پنجابی و فارسی تدریس می‌شود (منبع ۸).  
سابقه تأسیس گروه فارسی این دانشگاه به سال ۱۸۶۴ یعنی سال تأسیس کالج دولتی لاهور، باز می‌گردد. در سال ۱۹۸۱، رشته زبان و ادبیات فارسی به صورت مستقل در سطح تحصیلات تکمیلی ارائه شد (منبع ۹).

در سال ۱۳۹۹ تعداد دانشجویان این رشته در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب ۹۵، پانزده و ده نفر بود (منبع ۱).

واحدهای درسی دانشجویان زبان و ادبیات فارسی از این قرار است:

### کارشناسی

سال	ترم	نام درس
۱	۱	نظم و نثر فارسی و دستور فارسی ۱
۱	۲	نظم و نثر فارسی و علم بیان
۲	۳	نظم و نثر فارسی و دستور فارسی ۲
۲	۴	نثر فارسی و علم بدیع نظم فارسی و علم بدیع
۳	۵	بررسی انتقادی سیر تحول نثر کلاسیک فارسی در ایران بررسی انتقادی سیر تحول شعر کلاسیک فارسی در ایران دستور پیشرفته زبان فارسی ترجمه برنامه‌های رایانه
۳	۶	بررسی انتقادی سیر تحول نثر کلاسیک فارسی در شبه‌قاره بررسی انتقادی سیر تحول شعر کلاسیک فارسی در شبه‌قاره علم معانی، بیان و بدیع تحقیق و نقد ادبی انشای فارسی
۴	۷	بررسی انتقادی سیر تحول ادبیات فارسی در ایران بررسی انتقادی سیر تحول تصوف در ایران اقبالیات ۱ بررسی انتقادی سیر تحول نثر فارسی نوین فارسی‌گفتاری (مقدماتی) ۱ مقاله پژوهشی
۴	۸	بررسی انتقادی سیر تحول ادبیات فارسی در شبه‌قاره بررسی انتقادی سیر تحول تصوف در شبه‌قاره فارسی‌گفتاری ۲ اقبالیات ۲ بررسی انتقادی سیر تحول شعر نو ایران مقاله پژوهشی

## آشنایی با دانشگاه‌های ایران و جهان (۴۷)

### دانشگاه جی سی



(منبع ۱۱)

### مینا گلستانی<sup>۱</sup>

دانشگاه جی سی<sup>۲</sup> در سال ۱۸۶۴ به عنوان کالج دولتی در شهر فیصل‌آباد لاهور واقع در ایالت پنجاب پاکستان تأسیس شد. سپس در سال ۲۰۰۲ به درجه دانشگاه ارتقا یافت (منبع ۲). این دانشگاه در رتبه‌بندی جهانی THE<sup>۳</sup> سال ۲۰۲۱ رتبه ۱۰۰۱+ را به خود اختصاص داده است (منبع ۳). همچنین در رتبه‌بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گروه ب قرار می‌گیرد<sup>۴</sup> (منبع ۵). علامه محمد اقبال از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه بوده است (منبع ۶). در حال حاضر بیش از ده‌هزار نفر در حال تحصیل در دانشگاه جی سی هستند (منبع ۲).

دانشگاه جی سی شامل دانشکده‌های زیر است:

- دانشکده شیمی و علوم زندگی
- دانشکده علوم ریاضی و فیزیک
- دانشکده هنر و علوم اجتماعی
- دانشکده زبان‌ها و مطالعات اسلامی و شرقی
- دانشکده مهندسی

(منبع ۷)

۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

2 Government College University Lahore (GCU)

3 Times Higher Education World University Rankings

۴ برای دانشگاه جی سی در رتبه‌بندی Quacquarelli Symonds (QS) World

University Rankings رتبه‌ای لحاظ نشده است (منبع ۴).

## کارشناسی ارشد

به منظور ارتقای فرهنگ پژوهش در گروه فارسی، گروه‌های تحقیقاتی مختلفی به شرح زیر تشکیل شده است:

- عرفان
- زبان فارسی
- ادبیات فارسی
- اخلاق
- اقبالیات و ادبیات معاصر فارسی

گروه فارسی برای انجام تحقیقات و تبادل اطلاعات، منابع کتابخانه‌ای و انتشاراتی تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه‌ها و مؤسسات زیر در ایران امضا کرده است:

- دانشگاه سیستان و بلوچستان
- دانشگاه فردوسی مشهد
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی تهران

برنامه‌های تبادل دانشجو و استاد با این دانشگاه‌ها و مؤسسات نیز آغاز شده است (منبع ۹).

## مجله کاوش<sup>۱۰</sup>

نخستین شماره مجله علمی-پژوهشی کاوش در سال ۲۰۱۵ منتشر شد. تاکنون ۲۵ شماره از این مجله منتشر شده است. کاوش مورد تأیید دانشگاه شیراز نیز هست و در آن مقالات فارسی چاپ می‌شود. سردبیر فعلی این مجله محمد اقبال شاهد است. همچنین شایان ذکر است که تمامی هزینه‌های مالی چاپ این مجله، بدون دریافت هیچ کمک‌هزینه‌ای از سوی دولت ایران یا پاکستان، توسط دانشگاه جی سی تأمین می‌شود (منبع ۱ و ۹).

برای دریافت آخرین شماره مجله کاوش به نشانی زیر مراجعه نمایید:

<https://gcu.edu.pk/wp-content/uploads/2021/02/Complete-KAWISH-Vol.-25.pdf>

## فرهنگ لغت جامع GCU فارسی به اردو

تألیف این فرهنگ لغت پنج‌جلدی از سال ۲۰۰۳ شروع شده و تاکنون سه جلد آن منتشر شده است. دو جلد دیگر آن نیز در دست نگارش است. روش تألیف این فرهنگ بر اساس روش کار علامه دهخداست. مسئولیت گروه تألیف فرهنگ لغت با دکتر محمد اقبال شاهد است (منبع ۱ و ۱۰).

سال	ترم	نام درس
۱	۱	شعر فارسی (کلاسیک و جدید) پیشرفت تاریخی زبان و ادبیات فارسی در ایران نثر عرفانی نقد ادبی (اختیاری) روش تحقیق و مرجع‌شناسی (اختیاری)
۱	۲	نثر فارسی (کلاسیک و جدید) انتقاد از افکار اقبال بر اساس شعر وی پیشرفت تاریخی زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره شعر عرفانی (اختیاری) فارسی‌گفتاری پیشرفته (اختیاری) تاریخ‌نگاری در ادبیات فارسی (اختیاری) عروض و قافیه فارسی و دستور زبان پیشرفته (اختیاری)
۲	۳ و ۴	مقاله پژوهشی

## دکتری

ترم	نام درس
۱	نسخه‌شناسی (خطی) آشنایی با علم عروض مبانی دستور زبان عربی
۲	نقد و بررسی کلی در ادبیات فارسی سیک‌شناسی ادب فارسی
واحدهای اختیاری	آشنایی با مکتب‌های فلسفی و کلامی (اختیاری) ادبیات دینی در زبان فارسی (اختیاری)

در حال حاضر طاهره یاسمین<sup>۱</sup>، محمد سرور<sup>۲</sup>، بابر نسیم آسی<sup>۳</sup>، مظهر محمود شیرانی<sup>۴</sup>، اقصی ساجد<sup>۵</sup>، رضوانه خالق<sup>۶</sup> و محمد اقبال شاهد<sup>۷</sup> از استادان زبان فارسی این دانشگاه هستند (منبع ۹). از استادان پیشین این دانشگاه می‌توان به ظهیر احمد صدیقی<sup>۸</sup> و محمد اقبال ثاقب<sup>۹</sup> اشاره کرد (منبع ۱).

- 1 Tahira Yasmin
- 2 Muhammad Sarwar
- 3 Babar Naseem Assi
- 4 Mazhar Mehmood Shairani
- 5 Aqsa Sajid
- 6 Rizwana Khaliq
- ۷ محمد اقبال شاهد همچنین مدیر گروه فارسی دانشگاه جی سی است. برای مشاهده نام مدیران پیشین گروه فارسی به منبع ۹ مراجعه کنید.
- 8 Dr. Zahir Ahmad Siddiqi
- 9 Dr. Mohammad Iqbal Saqib



4. <https://www.topuniversities.com/university-rankings/world-university-rankings/2021>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

5. [grad.saorg.ir/](http://grad.saorg.ir/) - دانش-آموختگان-خارج-سطح-بندی-دانشگاه-های-خارج-از-کشور/سطح-بندی-دانشگاه-های-بعد-از-پاکستان-2021/سپتامبر ۲۰۲۱

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

6. <https://gcu.edu.pk/>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

7. <https://gcu.edu.pk/departments/>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

8. <http://gcu.edu.pk/languages-islamic-oriental-learning/>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

9. <http://gcu.edu.pk/persian/#1580484292072-77c216c5-1578>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

10. <http://www.ibna.ir/fa/longint/300909/> - فارغ-التحصیلان-زبان-فارسی-کار-پیدا-نمی-کنند

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

11- <https://gcu.edu.pk/wp-content/uploads/2020/03/1.jpg>

12- [https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/5/59/Government\\_college\\_lahore1880b.jpg/800px-Government\\_college\\_lahore1880b.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/5/59/Government_college_lahore1880b.jpg/800px-Government_college_lahore1880b.jpg)

13- [https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/2/21/Government\\_College\\_University\\_lahore.jpg/1200px-Government\\_College\\_University\\_lahore.jpg](https://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/thumb/2/21/Government_College_University_lahore.jpg/1200px-Government_College_University_lahore.jpg)



(منبع ۱۲)

## منابع

۱. مصاحبه با دکتر مرتضی عمرانی، استاد مهمان دانشگاه پنجاب، در تاریخ اردیبهشت ۱۳۹۹.

2. <https://gcu.edu.pk/about/>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

3. <https://www.timeshighereducation.com/world-university-rankings/government-college-university-lahore>

آخرین بازدید: ۳۰ خرداد ۱۴۰۰



(منبع ۱۳)



## احمد آرام و سهم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی

### احمد آرام و سهم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی

کتاب *احمد آرام ... ادای احترامی است به شخصیت وارسته و دانشمند او*. غلامعلی حداد عادل در این کتاب در پی آن بوده که بعضی از ابعاد شخصیت علمی و فرهنگی آرام را تشریح کند. کتاب به دو بخش کلی «سهم آرام در واژه‌گزینی در زبان فارسی» و «سهم آرام در تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی» تقسیم شده است. بنابراین، کتاب حاضر برای عموم علاقه‌مندان و به‌ویژه برای پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های تخصصی واژه‌گزینی و تاریخ علم خواندنی و نکته‌آموز است.

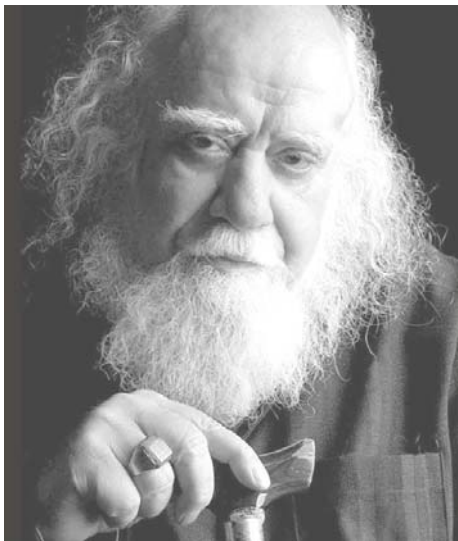
نویسنده سعی کرده است تا، در عین تأکید بر شخصیت محترم و مؤثر احمد آرام، ستایشگر محض و مطلق او نباشد و در عین حال که نقش و تأثیر او را در واژه‌گزینی و سهمش را در سنت نوپای تاریخ علم در ایران بیان می‌کند، از نقد منصفانه دیدگاه‌های او، به‌ویژه در واژه‌گزینی و دستور خط، خودداری نکرده است.

کتاب *احمد آرام و سهم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی*، نوشته دکتر غلامعلی حداد عادل است که انتشارات هرمس آن را در ۲۳۵ صفحه و با شمارگان ۵۰۰ نسخه، به بهای ۸۰ هزار تومان منتشر کرده است.

احمد آرام (۱۳۷۷-۱۲۸۳)، مترجم پیش‌کسوت و عضو پیوسته فقید فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نزدیک به هفتادوپنج سال از عمر خود چهارساله خود را صرف تألیف و ترجمه کرد. او برای دستیابی به رشد و پیشرفت و سعادت در جامعه معتقد به «نشر علم» بود و نشر علم را مستلزم داشتن زبان علمی می‌دانست و باور داشت که زبان فارسی می‌تواند زبان علم شود. علاقه و اهتمام دائم آرام به واژه‌گزینی امری نیست که نیاز به اثبات داشته باشد؛ او با واژه‌گزینی زندگی می‌کرده و باید گفت «واژه‌گزینی» تجربه زیسته وی بوده است. تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی نیز مرهون زحمات او در ترجمه کلاسیک‌های این حوزه است. آرام با ترجمه متون مهمی در حوزه تاریخ علم (به‌طورکلی) و تاریخ علم در اسلام یکی از پیش‌گامان ترجمه در این حوزه بود و با کتاب‌هایی که منتشر ساخت - نزدیک به یکصد و بیست عنوان کتاب ریزودرشت از زبان‌های انگلیسی و فرانسه و عربی - در ترویج علم در ایران نیز سهمی بسزا ایفا کرد. کار بزرگ او را بهتر درک می‌کنیم اگر بدانیم که آرام زمانی این کار را آغاز کرد که نه مدارس زیادی در سراسر ایران تأسیس شده بود، نه کتاب‌های درسی در دسترس محصلان قرار داشت، نه امکانات چاپ و نشر به‌صورت امروزی وارد ایران شده بود، و نه واژگان تثبیت‌شده‌ای برای بیان مسائل علمی در زبان فارسی رواج یافته بود.

<https://apll.ir/1400/05/18/احمد-آرام-و-سهم-او-در-واژه‌گزینی-و-تاریخ-نگاری-علم-به-زبان-فارسی>





## پیام تسلیت رئیس فرهنگستان به مناسبت درگذشت محمد سرور رجائی

پنجشنبه، هفتم مردادماه ۱۴۰۰، محمد سرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی، در ۵۲ سالگی در تهران درگذشت. به همین مناسبت دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در پیامی درگذشت این شاعر افغانستانی را تسلیت گفت. متن پیام مذکور چنین است:

### بسمه تعالی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی درگذشت شادروان محمد سرور رجائی را به اهل ادب و فرهنگ تسلیت می‌گوید. این شاعر و نویسنده پرتلاش حلقه اتصال و رشته پیوند نیرومندی میان شاعران و نویسندگان افغانستان و ایران بود. رجائی در حالی از بین ما رفت که ضرورت تحکیم این اتصال و پیوند بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. از خداوند قادر متعال برای او رحمت و مغفرت و برای بازماندگان و دوستان داغدار وی صبر مسئلت می‌کنم.

### غلامعلی حداد عادل

### رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی

### هفتم مردادماه ۱۴۰۰

محمد سرور رجائی متولد ۱۳۴۸ در کابل بود. وی از سال ۱۳۷۳ به ایران مهاجرت کرد و مدیریت خانه ادبیات افغانستان و مدیریت دفتر شعر و داستان افغانستان را در حوزه هنری بر عهده گرفت. کتاب «از دشت لیلی تا جزیره مجنون»، حاوی مجموعه‌ای از خاطرات رزمندگان افغانستانی دفاع مقدس، یکی از آثار شاخص اوست. کتاب‌های «مأموریت خدا»، هفت روایت از احمدرضا سعیدی شهید ایرانی جهاد اسلامی افغانستان، «در آغوش قلب‌ها»، «گل‌های باغ کابل»، و «اشعار و خاطرات مردم افغانستان از امام خمینی» برخی از آثار منتشرشده رجائی است. کتاب خاطرات «شهید دکتر سیدعلی‌شاه موسوی گردیزی»، از فرماندهان جهادی افغانستان، که به دست عوامل داعش ترور شد، حاصل تلاش‌های محمد سرور رجائی است که به‌زودی منتشر خواهد شد. همچنین انتشار مجله «باغ»، ویژه کودکان افغانستانی، از دیگر فعالیت‌های او در این سال‌ها بود.

[پیام-تسلیت-رئیس-فرهنگستان-به-مناسبت-https://apll.ir/1400/05/08/2](https://apll.ir/1400/05/08/2)

## پیام تسلیت دکتر حداد عادل به مناسبت درگذشت علامه محمدرضا حکیمی

یکشنبه، سی و یکم مردادماه ۱۴۰۰، علامه محمدرضا حکیمی، مجتهد شیعه، فیلسوف و نویسنده کشورمان، بر اثر بیماری کرونا درگذشت. به همین مناسبت دکتر غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درگذشت این استاد گرانقدر را تسلیت گفت. متن پیام مذکور بدین شرح است.

### بسمه تعالی

درگذشت استاد گرانقدر محمدرضا حکیمی را به بازماندگان و دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت می‌گویم. حکیمی بی‌تردید از نوادر زمانه ما بود. آثار او که از دانش ادبی و قلم پرتپش او بهره یافته بود در عمق‌بخشی و جهت‌دهی اعتقادات دینی نسل جوان، خصوصاً در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تأثیری انکارناپذیر و ماندگار داشت. حکیمی که از رهگذر آشنایی با جریان‌های فکری روزگار خود «عالم به زمان» خود بود، کوشید تا اضلاع منظومه اعتقادی شیعی را به صورتی منسجم در کنار هم نهد تا به صورت مکتبی عقلانی و الهی و انسانی، منشأ و مولد حرکت اجتماعی و سیاسی گردد. او، در عین نوآوری، هرگز از مبادی و مبانی اسلامی و شیعی فاصله نگرفت و انحراف پیدا نکرد. حکیمی را با شجاعت و صداقت و غیرتی که داشت بی‌گمان باید از مشعل‌داران و منادیان دعوت به انقلاب اسلامی امام خمینی دانست. حساسیت و تکیه و تأکید او بر عنصر عدالت، به‌ویژه «عدالت اقتصادی»، او را در میان متفکران اسلامی و مصلحان اجتماعی ممتاز ساخته بود. حکیمی به اعتبار آثارش زنده است و آنچه در فقدان تأسف‌بار او مایه تسلی است همین آثار فراوان و سودمند اوست که در دست ماست. برای او از درگاه خداوند کریم علو درجات طلب می‌کنیم.

[پیام-تسلیت-دکتر-حداد-عادل-به-مناسبت-د-https://apll.ir/1400/06/02/4](https://apll.ir/1400/06/02/4)



معرفی کتاب درسی خارجی (کشور فرانسه) - (1976) *Le français lire écrire parler* محدثه طاهری<sup>۱</sup>

کتاب‌شناسی

عنوان کتاب	فرانسوی خواندن، نوشتن، سخن گفتن
موضوع	خواندن، نوشتن و سخن گفتن
نام مؤلف	آندره لاگارد، لوران میشار، ژان فورنیه، موریس باستید، مارسل برک، ژرژ گریف، ژنه وردون
سال تألیف	۱۹۷۶
پایه	کلاس سوم، معادل پایه نهم مقطع متوسطه یک در نظام فعلی آموزش و پرورش ایران، دانش‌آموزان چهارده تا پانزده سال فرانسوی پس از به پایان رساندن این مقطع وارد دبیرستان (lycée) می‌شوند.
ناشر	Bordas

کتاب، مجموعه‌ای از اطلاعات علمی، ادبی و هنری را با رویکرد آموزشی به دانش‌آموزان چهارده تا پانزده سال ارائه می‌کند.

«هریک از دوازده فصل کتاب به موضوعات موردنیاز دانش‌آموزان اختصاص دارد و به آن‌ها امکان می‌دهد با مسائل مختلف عصر خود و قرون گذشته درگیر شوند؛ مانند تغییر نگاه آن‌ها به طبیعت، هنر، احساسات، ادبیات، حماسه، تئاتر، سینما و رمان»<sup>۲</sup>. بالای هر صفحه از کتاب موضوع آن فصل نوشته شده است. در هر فصل متون مختلفی (از جمله شاهکارهای ادبیات فرانسوی در قرون وسطی و قرن شانزده تا بیستم میلادی) آمده تا فرصت رشد دانش‌آموزان را در مهارت‌های خوانندگی، نوشتاری و گفتاری در کنار آشنایی با اطلاعات مناسب سن آنان فراهم کند.

«تاریخ ادبیات فرانسه» که در پایان کتاب آمده نمایی کلی از وضع ادبی هر قرن، مکاتب ادبی، نویسندگان و آثار مهم آن‌ها به دست می‌دهد.

گزیده‌هایی از آثار مرتبط در هر فصل متناسب با موضوع آمده و معنی برخی لغات در حاشیه راست صفحه شرح داده شده است. در تمام دروس پس از متن چند سؤال با عنوان «Les idées» آمده تا درک مطلب دانش‌آموز را بسنجد. سپس در بخش «L'expression» سؤالاتی شخصی‌سازی شده همگام با موضوع متن از دانش‌آموز پرسیده شده و از او خواسته شده تا درباره افکار و نظرات خود صحبت کند که تلاشی برای بالا بردن مهارت سخن گفتن اوست. همچنین گاهی برخی نکات واژگانی یا دستوری به‌طور خلاصه آمده است.

در فصل «La peinture et son langage» که به هنر نقاشی اختصاص دارد، تصاویر بسیاری از نقاشی هنرمندان را می‌بینیم؛ برای مثال، دو نقاشی از دو قرن مختلف در صفحه‌ای گنجانده شده و از دانش‌آموز خواسته شده تا تفکر و باور هنرمندان این دو اثر را باهم مقایسه کند. دانش‌آموز سپس باید توضیح دهد که چرا یک نقاشی کلاسیک و دیگری رمانتیک نامیده شده و تأثیر رنگ‌ها و ترکیب‌بندی این دو اثر را باید باهم مقایسه کند.

بخشی از کتاب «Le Rouge et le Noir» و بخشی از فیلم‌نامه برگرفته از همین اثر در فصل «La scène et l'écran» آمده است. دانش‌آموز پس از خواندن هر دو متن و پاسخ به سؤالات درک مطلب، باید به مقایسه رفتار یکی از شخصیت‌ها در متن کتاب و متن فیلم‌نامه پردازد.

نکته مهم این کتاب تأکید آن بر پرورش تفکر انتزاعی و خلاق دانش‌آموز است. پس از آموزش هر متن، از دانش‌آموز خواسته می‌شود تا درباره آن بیندیشد، نظر خود را بیان کند، دو اثر را باهم مقایسه کند یا با شخصی‌سازی شرایط خاص، احساسات و باورهای خود را به راحتی تبیین کند. این کتاب تلاش کرده ضمن آشنا کردن دانش‌آموز با انواع مختلفی از متون مهم کلاسیک به رشد تفکر خلاق و مهارت سخن گفتن و نوشتن نوجوان هم کمک کند.

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

۲ مقدمه کتاب، صفحه ۳



**LA TRANSFORMATION DE LA RÉALITÉ : LES CUBISTES**

Certains peintres ont interprété la réalité et ont tenté de la reconstituer selon leur optique. Les « Cubistes » ont voulu suggérer les impressions de relief, de forme et de volume sur la surface plane de la toile autrement que par les ombres et la lumière. Ils ont utilisé la géométrie pour rendre plusieurs aspects du même objet sur une seule toile, de la même façon que les artistes africains ou océaniques procédaient dans leurs portraits sculptés. Mais, à la limite, leur œuvre n'a plus qu'une intention décorative, sans lien très direct avec la réalité. Ces deux tableaux ont-ils des éléments facilement identifiables? Lesquels? Vous paraissent-ils vraiment justifier votre point de vue.

**LA PEINTURE ET SON LANGAGE 173**

صفحه ۱۷۳

Pablo Picasso, *L'homme à la pipe*, 1915. Art Institute, Chicago.

Juan Gris, *Jeu d'échecs*, 1915. Art Institute, Chicago.

**REFLETS DE L'HISTOIRE 186**

صفحه ۱۹۶

audience à des plaideurs ». Babouc, indigné, ne put s'empêcher de condamner dans son cœur un pays où l'on mettrait à l'encan les dignités de la paix et de la guerre; il conclut précipitamment que l'on y devait ignorer absolument la guerre et les lois, et que, quand même Ituriel n'exterminerait pas ces peuples, ils périraient par leur détestable administration.

Sa mauvaise opinion augmenta encore à l'arrivée d'un gros homme qui, ayant salué très familièrement toute la compagnie, s'approcha du jeune officier et lui dit : « Je ne peux vous prêter que cinquante mille dariques d'or, car, en vérité, les douanes de l'empire ne m'en ont rapporté que trois cent mille cette année. » Babouc s'informa quel était cet homme qui se plaignait de gagner si peu; il apprit qu'il y avait dans Persépolis quarante rois plébéiens<sup>1</sup> qui tenaient à bail l'empire de Perse, et qui en rendaient quelque chose au monarque.

VOLTAIRE, *Le Monde comme il va*.

Au terme de cette enquête où il a vu qu'il y avait à Persépolis un mélange de bien et de mal, Babouc rend compte de sa mission : « Il fit faire par le meilleur fondeur de la ville une petite statue composée de tous les métaux, des terres et des pierres les plus précieuses et les plus rares; il la porta à Ituriel : « Cachez-vous, dit-il, cette jupe statue, parce que tout s'y est pas or et diamants? » Ituriel entendit à demi-mot; il résolut de ne pas même songer à servir Persépolis, et de laisser aller le monde comme il va. Car, dit-il, si tout n'est pas bien, tout est passable ».

**Les idées**

- 1 Relevez les détails par lesquels se manifeste la dévotion du jeune magistrat à l'égard de l'avocat (l. 1-14). Comment s'explique-t-elle? Pourquoi cette pratique est-elle contre le bon sens? Commentez pourquoi n'est-ce pas ce vieillard qui est juge? (l. 10).
- 2 Quelle est la conséquence logique de cette situation (l. 15-17)? Quels sont ces adèmes d'iniquité (l. 17)?
- 3 Pourquoi la vénalité des charges est-elle encore plus scandaleuse dans l'armée (l. 18-23)?
- 4 Expliquez précipitamment (l. 29) et montrez la logique apparente de la conclusion de Babouc.

3 Une veste à l'encan (lit. un gilet) est une veste publique au plus vil prix.

4 Il y avait alors 40 lieues géographiques en France; ils n'étaient pas rois, mais, par adjonction ou autrement le droit de lever certains impôts à charge de verser une somme fixe au Trésor.

La Fortune et ses favoris. Peinture allégorique du XVIII<sup>e</sup> siècle.

**LES PAYSANS AU BORD DE LA MER**

Dans ce poème, écrit à Jersey en 1854 et publié dans la Légende des Siècles (3<sup>e</sup> série), Victor Hugo retrouve le thème qu'il avait développé déjà dans *Océano Nox* (Les Rayons et les Ombres, XLII). Mais le séjour dans l'île anglo-normande et la contemplation de l'Océan lui permettent de se renouveler. Son imagination lui fait voir dans la mer une force terrifiante pour les hommes, faibles créatures. L'éternité des vers de 7 et de 4 syllabes lui permet de traduire le désarroi de ces pauvres gens. — Sur Hugo, cf. p. 344.

I

Les pauvres gens de la côte,  
L'hiver, quand la mer est haute  
Et qu'il fait nuit,  
Viennent où finit la terre  
Voir les flots pleins de mystère  
Et pleins de bruit.

Ils sondent la mer sans bornes;  
Ils pensent aux écueils mornes  
Et triomphants;  
L'orpheline pâle et seule  
Crie : O mon père! et l'aïeule  
Dit : Mes enfants!

La mère écoute et se penche;  
La veuve à la coiffe blanche  
Pleure et s'en va.  
Ces cœurs qu'épouvante l'onde  
Tremblent dans ta main profonde,  
O Jéhovah<sup>1</sup>!

Où sont-ils tous ceux qu'on aime?  
Elles ont peur. La nuit blême  
Cache Vénus<sup>2</sup>;  
L'océan jette sa brume  
Dans leur âme, et son écume  
Sur leurs pieds nus.

1 Où Yahvé : nom donné à Dieu dans la Bible, il représente ici le Dieu tout-puissant et terrible.

2 Le nom de la déesse antique a été donné à la planète qui brille avant le coucher ou le lever du soleil. On l'appelle aussi « l'étoile du soir » ou « l'étoile du bœuf ».

**REGARDS SUR LA VIE MODERNE B**

triée, on se sépara vite. Tant il est vrai que chacun de nous a un peu peur de se laisser aller à son instinct.

JACQUES DE LACRETELLE, *L'Écrivain public*. Gallimard éd., tous droits réservés.

**Les idées**

- 1 A quels détails reconnaît-on que les excursionnistes sont grisés?
- 2 Qu'est-ce qui, dans l'aspect du paysage, répond au besoin d'évasion de ces jeunes gens?
- 3 Comment définissez-vous la *vie sauvage* dont il est question à la l. 23?
- 4 Que faut-il entendre par *décivilisation*? En quoi est-elle un *romantisme*? En quoi est-elle *utile au progrès social*?
- 5 Pourquoi, selon l'auteur, est-il difficile de se *déciviliser*? En partant de votre propre expérience, exprimez votre opinion à ce sujet.

**L'expression**

- 6 *Déciviliser*, *décivilisation* sont des mots sans doute forgés par l'auteur. Chaque époque crée ainsi des néologismes pour désigner de nouveaux objets, de nouvelles façons de penser. Citez-en quelques-uns.
- 7 Refaites la phrase des l. 6-8 en la commençant par *Tous les êtres...* Quelle nuance apporte la forme négative? Refaites la phrase *Nous sommes tous atteints de bovarisme* en lui donnant la forme négative : « il n'est pas un seul d'entre nous... » (l. 9-11).
- 8 **RÉDACTION.** — Si vous pratiquez le camping, décrivez les sentiments que vous éprouvez quand vous êtes lâché dans la nature. Si vous n'êtes pas campeur, efforcez-vous de les imaginer.

Expédition à ALAM-KOUM (Iran).

**REFLETS DE L'HISTOIRE 186**

صفحه ۱۷۲

audience à des plaideurs ». Babouc, indigné, ne put s'empêcher de condamner dans son cœur un pays où l'on mettrait à l'encan les dignités de la paix et de la guerre; il conclut précipitamment que l'on y devait ignorer absolument la guerre et les lois, et que, quand même Ituriel n'exterminerait pas ces peuples, ils périraient par leur détestable administration.

Sa mauvaise opinion augmenta encore à l'arrivée d'un gros homme qui, ayant salué très familièrement toute la compagnie, s'approcha du jeune officier et lui dit : « Je ne peux vous prêter que cinquante mille dariques d'or, car, en vérité, les douanes de l'empire ne m'en ont rapporté que trois cent mille cette année. » Babouc s'informa quel était cet homme qui se plaignait de gagner si peu; il apprit qu'il y avait dans Persépolis quarante rois plébéiens<sup>1</sup> qui tenaient à bail l'empire de Perse, et qui en rendaient quelque chose au monarque.

VOLTAIRE, *Le Monde comme il va*.

Au terme de cette enquête où il a vu qu'il y avait à Persépolis un mélange de bien et de mal, Babouc rend compte de sa mission : « Il fit faire par le meilleur fondeur de la ville une petite statue composée de tous les métaux, des terres et des pierres les plus précieuses et les plus rares; il la porta à Ituriel : « Cachez-vous, dit-il, cette jupe statue, parce que tout s'y est pas or et diamants? » Ituriel entendit à demi-mot; il résolut de ne pas même songer à servir Persépolis, et de laisser aller le monde comme il va. Car, dit-il, si tout n'est pas bien, tout est passable ».

**Les idées**

- 1 Relevez les détails par lesquels se manifeste la dévotion du jeune magistrat à l'égard de l'avocat (l. 1-14). Comment s'explique-t-elle? Pourquoi cette pratique est-elle contre le bon sens? Commentez pourquoi n'est-ce pas ce vieillard qui est juge? (l. 10).
- 2 Quelle est la conséquence logique de cette situation (l. 15-17)? Quels sont ces adèmes d'iniquité (l. 17)?
- 3 Pourquoi la vénalité des charges est-elle encore plus scandaleuse dans l'armée (l. 18-23)?
- 4 Expliquez précipitamment (l. 29) et montrez la logique apparente de la conclusion de Babouc.

3 Une veste à l'encan (lit. un gilet) est une veste publique au plus vil prix.

4 Il y avait alors 40 lieues géographiques en France; ils n'étaient pas rois, mais, par adjonction ou autrement le droit de lever certains impôts à charge de verser une somme fixe au Trésor.

La Fortune et ses favoris. Peinture allégorique du XVIII<sup>e</sup> siècle.

**LA LÉGENDE DE ROLAND 229**

صفحه ۲۲۹

Roland terrasse le géant Ferragut. Miniature du XV<sup>e</sup> siècle.

\* Larges coups, flots de sang par des bouches vomis,  
Faites se renversant en arrière livides,  
Croupes brisés roulant comme des cruches vides,  
Flots d'assailants toujours repoussés, blessés, morts,  
Cris de rage; ô carnage! ô terreur! corps à corps  
D'un homme contre un tas de gueux épouvantés!  
Comme un ustrier met son or sur une table,  
Le meurtre sur les morts jette les morts, et rit.  
Demandez flamboyant semble un sinistre esprit;  
Elle va, vient, remonte et tombe, se relève,  
S'abat, et fait la fureur effrayante du glaive :  
Sous son éclair, les bras, les cœurs, les yeux, les fronts  
Tremblent, et les hardis, nivelés sans pitié,  
Se couchent; et l'épée éblouissante et fidèle  
Donne des coups d'estoc qui semblent des coups d'aile;  
Et sur le héros, tous ensemble, se ruent,  
Le prince, furieux, s'acharnant, se ruant,  
Frappant, parant, jappant, hurlant, criant : main-forte!  
Roland est-il blessé? Peut-être. Mais qu'importe?  
Il lutte. La blessure est l'altière faveur  
Que fait la guerre au brave illustre, au preux sauveur,  
Et le chair de Roland, mieux que l'acier trempé,  
Ne craint pas de baisser farouche de l'épée.  
Mais, cette fois, ce sont des armes de goujats\*,  
Lances plombées<sup>7</sup>, coutreaux catalans, navajats\*,  
Qui frappent le héros, sur qui cette famille  
De mortuaires se repose et se tord et frémouille;  
Le héros sous son pied sent onduler leurs nerfs  
Comme les gonflements d'un dragon épaveux;  
Son armure est parotout bosselée et fêlée;  
Et Roland par moments songe dans la mêlée :  
« Peuss-é il<sup>8</sup> à donner à boire à mon cheval? » [...]

5 Vagabond.

6 Veste d'armes.

7 Armées par des coups.

8 Coutreaux sont la lame effilée en plus dure le manche.

9 Le petit roi.



## روزشمار رویدادهای ادبی مرداد ۱۴۰۰

آذین شهریاری فرد<sup>۱</sup>

مناسبت‌ها	روزهای هفته / هجری شمسی
زادروز منیرو روانی‌پور، نویسنده (۱۳۳۲ ش، بوشهر)	شنبه ۲ مرداد
سالروز درگذشت احمد شاملو، شاعر و مترجم (۱۳۰۴-۱۳۷۹، البرز)	
زادروز محمود عابدی، استاد دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۲۳ ش، چادگان)	سه‌شنبه ۵ "
سالروز درگذشت بدرالزمان قریب، زبان‌شناس و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۰۸-۱۳۹۹، تهران)	
سالروز درگذشت مدیا کاشیگر، مترجم و نویسنده (۱۳۳۵-۱۳۹۶، تهران)	پنج‌شنبه ۷ "
درگذشت محمد سرور رجایی، نویسنده و شاعر افغانستانی (۱۳۴۸-۱۴۰۰، تهران)	
سالروز درگذشت امیرحسین آریان‌پور، مترجم و نویسنده (۱۳۰۳-۱۳۸۰، تهران)	جمعه ۸ "
زادروز محمود دولت‌آبادی، نویسنده (۱۳۱۹ ش، سبزوار)	یکشنبه ۱۰ "
زادروز داریوش آشوری، زبان‌شناس و مترجم (۱۳۱۷ ش، تهران)	دوشنبه ۱۱ "
زادروز محمد قاضی، نویسنده و مترجم (۱۲۹۲-۱۳۷۶، تهران)	سه‌شنبه ۱۲ "
سالروز درگذشت پرویز شاپور، نویسنده و کاریکلماتور (۱۳۰۲-۱۳۷۸، تهران)	جمعه ۱۵ "
سالروز درگذشت رابیندرانات تاگور، شاعر و نمایشنامه‌نویس هندی (۱۸۶۱-۱۹۴۱، کلکته)	شنبه ۱۶ "
سالروز درگذشت شکور لطفی، نویسنده کودک و نوجوان (۱۳۲۲-۱۳۹۷، تهران)	دوشنبه ۱۸ "
زادروز عباس زریاب‌خویی، ادیب و نویسنده (۱۲۹۸-۱۳۷۳، تهران)	چهارشنبه ۲۰ "
درگذشت محمد محیط طباطبایی، پژوهشگر ادبی و مورخ (۱۲۸۰-۱۳۷۱، تهران)	
سالروز درگذشت محمد زهرایی، ناشر و ویراستار ایرانی (۱۳۲۸-۱۳۹۲، تهران)	چهارشنبه ۲۷ "
سالروز درگذشت سیمین بهبهانی، نویسنده و شاعر (۱۳۰۶-۱۳۹۳، تهران)	پنج‌شنبه ۲۸ "
سالروز درگذشت جواد حدیدی، نویسنده و مترجم (۱۳۱۱-۱۳۸۱، تهران)	جمعه ۲۹ "

<sup>۱</sup> پژوهشگر گروه زبان و ادبیات فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی





## احمد شاملو



**هوای تازه - مه**

بیابان را سراسر مه گرفته است  
چراغ قریه پنهان است  
موجی گرم در خون بیابان است  
بیابان، خسته  
لب بسته  
نفس بشکسته در هذیان گرم مه  
عرق می ریزدش آهسته از هر بند  
بیابان را سراسر مه گرفته است  
می گوید به خود، عابر  
سگان قریه خاموشند  
در شولای مه پنهان، به خانه می رسم  
گل کو نمی داند مرا ناگاه  
در درگاه می بیند  
به چشمش قطره اشکی  
بر لبش لبخند  
خواهد گفت:  
بیابان را سراسر مه گرفته است...  
با خود فکر می کردم که مه  
گر همچنان تا صبح می پایید  
مردان جسور از خفیه گاه خود  
به دیدار عزیزان باز می گشتند  
بیابان را سراسر مه گرفته است  
چراغ قریه پنهان است  
موجی گرم در خون بیابان است  
بیابان، خسته  
لب بسته  
نفس بشکسته در هذیان گرم مه  
عرق می ریزدش آهسته از هر بند.

در شعر نو به طور کلی و در شعر شاملو به خصوص تصویرها خیر از دید تازه ای نسبت به اشیا و کشف دیناهای تازه ای ناشی از تجربه های شخصی می دهند. شاملو تصویرهای شعر خود را از میان دیوان های شعر کهن فارسی پیدا نکرده است. کمتر تصویری در شعر وی می بینیم که به نظر کهنه و تکراری برسد و بی شک این همه صورت های گوناگون خیال که در شعر او می بینیم و اغلب تازه و بدیع است، علتش صمیمیت با تجربه ها و عواطف شخصی است و به همین جهت اغلب خواننده را سخت تحت تأثیر زیبایی و تازگی خود قرار می دهد و انسان را به فضایی سوق می دهد که در آنجا احساس اتحاد روحی و عاطفی را شاعر می نماید. در اینجا دیگر نمی توان تصویر را از فضای شعر و مفهوم کلام جدا کرد چون در این صورت برگ و گلی نیست که با حرکت خود وزش نسیم را در مقابل دیدگان به رقص درآورد.